

انیس الطالبین [ترجمه آداب المتعلمین]

نویسنده: نصرالدین طوسی

ترجمه آداب المتعلمین؛ بقلم محمدجواد ذهنی تهرانی.

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده
است.

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله على آلائه و نشكره على نعمائه و الصلوه و السلام على
سيد انبيائه و خير اوصيائه.
و بعد: فكثير من طلاب العلم لا يتيسر لهم التحصيل و ان اجتهدوا و
لا ينتفعوا عن ثمراته و ان اشتغلوا، لأنهم اخطأوا طريقه و تركوا شرائطه و كل
من اخطأ الطريق ضلّ، فلا ينال المقصود اردت ان ابين طريق التعلّم على سبيل
الاختصار على ما رايت في الكتاب و سمعت من اساتيدي اولي العلم و الله
الموفق والمعين، فايين المقصود في فصول شتى.
ترجمه:

حقتعالی را در مقابل نعمت هایش می ستایم، و بر عطایایش شکر مینمایم،

و درود قلبی و تحیت زبانی بر سرور پیامبران و بهترین جانشینان.

و بعد از گذاردن شکر و ستایش حضرت سبحان و اداء احترام به ساحت

قدس

نبوی ﷺ و سرور اوصیاء یعنی وجود مقدّس حضرت علوی سلام الله

القدسی علیه چنین نگاشته

می شود: بسیاری از طالبین و مایلین به دانش اگرچه کوشش نموده ولی

تحصیل علم

برایشان میسور نشده و از منافع و آثار آن بهره ای نبرده اگرچه خود را به آن سرگرم و مشغول مینمایند و جهتش آنستکه راه آنرا به خطاء و اشتباه رفته و شرائطش را واگذارده اند و معلوم است هرکس راه را اشتباه برود گم خواهد شد و در نتیجه بمقصود نخواهد رسید.

از اینرو تصمیم گرفتم در این رساله و وجیزه بطور اختصار راه تعلّم و فراگرفتن دانش را به آن نحو که در کتاب دیده و از اساتید صاحبان علم شنیده ام بیان کنم و از خداوند متعال توفیق و کمک میخواهم. مقصود و مطلوب را در چند فصل بیان مینمائیم.

فصل اول: حقیقت و فضیلت علم

اشاره

متن: الفصل الاول في ماهية العلم و فضله اعلم انه قال رسول الله ﷺ :
طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمه.

و المراد من العلم هنا علم الحال اي العلم المحتاج اليه في الحال الموصل الى النفع في المال كما يقال: افضل العلم علم الحال و افضل العمل حفظ المال، فيفرض على الطالب ما يصلح حاله. و شرف العلم لا يخفى على احد، اذ العلم هو مختص بالانسان، لان جميع الخصال سوى العلم يشترك فيها الانسان و ساير الحيوانات كالشجاعة و القوة والشفقه و غير ذلك و به اظهر الله فضل آدم على الملائكة و امرهم بالسجود له.

ترجمه:

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: خواستن و بدنبال دانش رفتن بر هر مرد و زن مسلمانى وظيفه و تکليف است.

مقصود از علم در اين حديث شريف علم حال يعنى علمى که راجع به حال وچگونگى است که شخص را در مال و منال نفع برساند چنانچه گفته اند:

برترين دانش ها علم حال بوده و بالاترين عملها حفاظت مال و دارائى است، پس بر طالب لازم است چيزى را داشته باشد که حالش را اصلاح نمايد.

و شرافت و فضيلت دانش بر کسى مخفى نيست زيرا علم اختصاص بانسان دارد بخلاف صفات و فضائل ديگر چه آنکه تمام خصلت ها به استثنای علم

انسان و جميع حيوانات

در آن با هم مشترک میباشند نظیر: شجاعت، نیرو، شفقت و دیگر خصال حمیده. خداوند متعال بواسطه علم فضل و برتری آدم بر ملائکه را آشکار و اظهار نمود و ایشان را به سجده به وی مأمور ساخت.

متن:

و ایضا هو وسیله الی السَّعاده الابدیّه ان وقع العمل علی مقتضاه، فالعلم الّذی یرفرض علی المکلّف بعینه یرجب تحصیله و یرجبر علیه ان لم یحصل و الّذی یرکون الاحتیاج به فی الاحیان فرض علی سبیل الکفایه و اذا قام به البعض سقط عن الباقی و ان لم یکن فی البلد من یقوم به اشرکوا جمیعا فی تحصیله بالوجوب.

ترجمه:

و نیز علم و دانش وسیله است برای سعادت و رستگاری همیشگی مشروط باینکه بر طبق و اقتضایش عمل گردد،

پس علمی که بر مکلف فرض و تکلیف قرار داده شده و از جمله واجبات
عینیّه شمرده شده تحصیلش لازم و واجب بوده و در صورتیکه وی به
تحصیل آن همت نگمارد بر آن اجبار و الزامش میکنند و علمی که احیاناً به آن
احتیاج و نیاز پیدامیشود به نحو لزوم کفائی در حق مکلفین جعل شده بطوریکه
اگر برخی از ایشان به آن قیام کنند از دیگران ساقط میگردد و اگر در شهر
کسیکه به آن قیام کند وجود نداشته باشد تمام به تحصیل و فراگرفتنش موظفند.

متن:

و قيل: بانّ علم ما ینفع علی نفسه فی جمیع الاحوال بمنزله الطّعام لا بدّ
لکلّ احد من ذلك و علم ما ینفع فی الاحانین بمنزله الدّواء یحتاج الیه فی
بعض الاوقات و علم النّجوم بمنزله المرض فتعلّمه حرام لانه یضرّ و لا ینفع الّا
قدرما یعرف به القبله و اوقات الصّلوه و غیر ذلك، فانه لیس بحرام.

ترجمه:

کلام برخی در خاصیت بعضی از علوم

برخی از ارباب دانش فرموده اند:

علمی که در تمام احوال و ازمان نافع است همچون طعام بوده که احدی بی نیاز از آن نمیباشد و دانشی که نفعش در برخی از اوقات است مانند دواء بوده که در پاره ای از احیان مورد احتیاج میباشد و علم نجوم و اخترشناسی بمنزله درد و مرض است از اینرو فراگرفتنش حرام میباشد چه آنکه مضر بوده و نافع نیست مگر مقداری که

تفسیر علم

بواسطه اش قبله نماز را بتوان معین نمود و اوقات صلوه را تشخیص داد و غیر ایندو از احکام دیگر همچون تعیین آجال و اوقات که پاره ای از امور همچون انقضاء عدّه زنان و تعیین اجل دیون به آن موقوف میباشد که این مقدار از تعلّم حرام نیست.

متن:

فأما تفسیر العلم: فإنه صفة ینجلی بها لمن قامت هی به المذکور فینبغی للطالب ان لا یغفل عن نفسه و ما ینفعها و ما یضرّها فی اولها و آخرها فیستجلب بما ینفعها و یتجنب عمّا یضرّها لئلا یكون عقله و علمه حجّه علیه فیزداد عقوبه.

ترجمه:

تفسیر علم

و اما تفسیر علم پس آن صفتی است که بواسطه اش برای کسیکه این صفت به وی قائم است آنچه ذکر شد کشف و ظاهر میشود لذا برای طالب دانش شایسته است که از نفس خویش و آنچه بنفع یا احیانا مضر بحالش است چه در بدو امر و چه در انتها و مراحل آخر از آن غفلت نرزد پس سعی و همتش بر آن باشد آنچه بنفع نفس و روحش میباشد جلب نموده و از کلیه اموری که برای نفسش مضر است اجتناب و دوری کند تا عقل و علمش بر او حجّت نبوده و بدین وسیله عقاب و عذابش زیاد گردد.

فصل دوم: در بیان نیت

متن: الفصل الثانی فی النّیّہ

لا بدّ لطالب العلم من النّیّہ فی تعلّم العلم، اذ النّیّہ هو الاصل فی جمیع الاحوال
لقوله تعالى:
انما الاعمال بالنّیّات.

و لقوله ﷺ :

لكل امرئ مانوی. فینبغی ان ینوی المتعلّم بطلب العلم رضاء الله تعالى و ازاله
الجهل عن نفسه و عن سائر الجهّال و ابقاء الاسلام و احياء الدّین بالامر
بالمعروف والنّهی عن المنكر من نفسه و من متعلّقاته و من الغير بقدر الامكان
فینبغی لطالب العلم ان یصیر فی المشاقّ و یجتهد بقدر الوسع، فلا یصرف عمره
فی الدّنيا الحقیرة الفانیة و لا یذلّ نفسه بالطّمع و یجتنب عن الحقد و یحترز عن
التّكبر.

ترجمه:

قطعا و مسلّمًا طالب علم در مقام تعلّم می باید دارای نیت
باشد زیرا نیت اصل در تمام احوال و حالات میباشد بدلیل فرموده حق تعالی
که فرموده: انما الاعمال بالنّیّات.

(صرفا اعمال بواسطه نیت تحقّق می پذیرند).

و کلام در ربار حضرت نبوی ﷺ که چنین نقل شده:

لكل امرئ مانوی.

(برای شخص است آنچه را که نیت میکند).

پس شایسته است که طالب دانش و خواهان علم در طیّ تحصیلش خشنودی
حقتعالی را در نظر داشته و همّتش برطرف کردن جهل و نادانی از خود و دیگر
نادانان بوده و قصدش ابقاء اسلام و احیاء دین بواسطه وادار کردن خود و
وابستگان و دیگران را به اعمال حسنه و بازداشتن از افعال قبیحه و زشت بوده
و تا حدّ امکان در این راه بکوشد.

بنابراین شایسته است طالب علم خود را در مشاقّ و زحمات طاقت
فرساقرار داده و به مقداری که قدرت دارد در این زمینه پای فشرده و استقامت
نماید، عمر گرانیامیه را در تحصیل دنیای پست و زودگذر صرف نکرده و ابدا
نفس خویش را بواسطه طمع

و چشم داشت به حطام و سرمایه دنیوی ذلیل نکند، از کینه ورزی و تکبر
خودداری و اجتناب کند.

فصل سوم: در برگزیدن علم و انتخاب استاد و اختیار هم بحث

اشاره

متن: الفصل الثالث في اختيار العلم و الاستاد و الشريك و الثبات
ينبغي لطالب العلم ان يختار من كل علم احسنه و ما يحتاج اليه في
الامور الدينيه في الحال ثم ما يحتاج اليه بالمال و يقدم علم التوحيد و معرفه
الله تعالى بالدليل و يختار العتيق دون المحدثات. قالوا: عليكم بالعتيق دون
المحدثات. و يختار المتون كما قيل: عليكم بالمتون لا بالحواشي.

ترجمه:

سزاوار و شایسته است که طالب علم از هردانشی احسن و نیکوترش را
برگزیده و آنچه در حال نسبت به امور دینی مورد نیازش است انتخاب کرده
و پس از آن علمی را که نیازمندیهای مالی او را جابگو باشد اختیار کند جای
دارد که طالب دانش، علم توحید و در بیان انتخاب استاد

خداشناسی را با احاطه بر دلیل بر تمام علوم مقدم کند و نیز علوم
قدیمه را بر جدیده ترجیح داده و به فراگرفتن آنها کمتر همت ببندد چه آنکه
بزرگان گفته اند: بر شما باد به علوم قدیمه نه جدیده.

و حتی الامکان به متون پرداخته و از حواشی بپرهیزد چنانچه گفته شده:
بر شما باد به متون علوم نه حواشی آنها.

متن:

و اما الاستاد: فينبغي ان يختار الا علم و الا ورع و الا سن.
و يبغي ان يشاور في طلب العلم اي علم يراد في المشي الى تحصيله،

فاذا دخل المتعلّم الى بلد يريد ان يتعلّم فيه فليكن ان لا يعجّل في الاختلاف
مع العلماء و ان يصبر شهرين حتّى كان اختياره للاستاد و لم يؤدّ الى تركه و
الرجوع

الى الآخر، فلا يبارك له فينبغى ان يثبت و يصبر على استاد و كتاب حتّى لا
يتركه ابتر و على فنّ لا يشتغل بفنّ آخر قبل ان يصير ماهرا فيه و على بلد حتّى
لا ينقل

الى بلد آخر من غير ضروره، فانّ ذلك كلّه يفرّق الامور المقربه الى التّحصيل
ويشغل القلب و يضيّع الاوقات.

ترجمه:

در بیان انتخاب استاد

بر طالب علم سزاوار است استادی را که از دیگران علم و تقوی و سنس بیشتر است اختیار کند.

و نیز در طلب و اختیار آن که چه علمی را تحصیل نماید با اهل مشورت صلاح دید نماید. و وقتی متعلم به شهری که قصد آموختن و فراگرفتن علم را دارد وارد شد وظیفه اش اینست که در حشر و نشر با علماء و مراوده با ایشان عجله نکرده بلکه بمدت

دو ماه صبر کند تا استاد مطلوب و جامع شرائط را پیدا نموده و تعجیلش منجر به ترک چنین استادی و رجوع به دیگری نگردد چه آنکه اگر در انتخاب معلم طریق شتاب را طی کند و به اندک زمانی که نزد شخص حاضر شد وی را رها کرده و به سراغ دیگری رود این امربرایش میمون و مبارک نبوده و اثر سوئی بدنبال دارد ازاینرو می باید نزد استادی که حاضر شد خدمتش صبر نموده و کتابی را که در محضرش قرائت مینماید به پایان رسانده تا

ناقص نماند و وقتی به فراگرفتن فنی اشتغال ورزید پیش از آنکه در آن ماهر شود خودرا سرگرم به صنعت و فن دیگر ننماید و زمانی که به شهری وارد شد و رحل اقامت در آن افکند بدون اینکه ضرورت و نیازی پیش بیاید از آنجا به شهر دیگر کوچ نکند چه آنکه

ارتکاب این خلاف ها اموری را که سبب تسهیل امر تحصیل و مقرب آن میباشند پراکنده نموده و دل و قلب را به غیر دانش و تحصیل آن مشغول نموده و سبب تضییع اوقات میگردد.

متن:

و اما اختيار الشريك: فينبغي ان يختار المجدد و الا ورع و صاحب الطبع
المستقيم و يحترز من الكسلان و المعطل و مكثار الكلام و المفسد و الفتان.
قيل في الحكمة الفارسيه:

در بیان اختیار هم بحث

و قيل: فاعتبر الارض باسمائها واعتبر الصّاحب بالصّاحب

ترجمه:

بر طالب علم سزاوار است در بحث کسی را شریک خود قرار دهد که سعی در تحصیل علم بوده و از دیگران با تقوی تر و دارای طبع و سلیقه ای مستقیم باشد، از اشخاص کسل و تنبل و کثیر الکلام و اهل فتنه و فساد پرهیزد چنانچه در حکمت فارسی آمده است:

شعر:

تا توانی میگریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و هم ایمان زند
یعنی: تا میتوانی از رفیق نامناسب و بد اجتناب کن زیرا چنین رفیقی از مار
زننده بدتر است زیرا مار فقط بر بدن انسان زده و او را هلاک میکند ولی رفیق
بد هم شخص را هلاک کرده و هم ایمان را می برد.

و در همین باره گفته شده:

فاعتبر الارض باسمائها واعتبر الصّاحب بالصّاحب

پاره ای از وظائف طالب علم

یعنی: زمین را بواسطه نشانه ها و علائمش از قبیل کوهها و تپه ها و آب ها بشناس و شخص را نیز بوسیله صاحب و رفیقش اعتبار نما.

متن:

و ینبغی ان تعظم العلم و اهله بالقلب غایه التّعظیم. قیل: الحرمة خیر من الطّاعة. حتّی لم یؤخذ الكتاب و لم یطالع و لم یقرء الدّرس الّا مع الطّهارة. و ینبغی ان یجود کتابه الكتاب و لا یقرمط و یترک الحاشیه الّا عند الضّروره، لأنّه ان عاش ندم و ان مات شتم. و ینبغی ان یستمع العلم بالتّعظیم و الحرمة لا بالاستهزاء و لا یختارنوع العلم بنفسه بل یفوض امره الی استاده لانّ الاستاد قد حصل له التجارب فی ذلک عند التّحصیل و قد عرف ما ینبغی لكلّ احد و ما یلیق بطبیعته و ینبغی لطالب العلم ان لا یجلس قریبا من الاستاد عند السّبق بغير الضّروره بل ینبغی ان یکون بینه و بین الاستاد قدر قوس لأنّه اقرب الی التّعظیم.

و ینبغی لطالب العلم ان یحترز عن الاخلاق الذّمیمه، فانّها کلاب معنویّه.

قال رسول الله ﷺ: لا یدخل الملائکه بیتا فیه کلب او صوره کلب.

ترجمه:

بر طالب علم سزاوار است که علم و اهل آن را قلبا احترام و کمال تعظیم را در حقّشان رعایت کند.

در این باره گفته شده:

احترام از اطاعت و بردن فرمان بهتر میباشد.

حتّی هیچگاه برداشتن کتاب و مطالعه آن و خواندن درس را بدون طهارت انجام ندهد.

نوشته ای را که می نگارد سعی کند که زیبا بوده و سطور و کلمات را

زیاد نزدیک بهم ننویسد از حاشیه نویسی حذر کند مگر در وقت ضرورت و احتیاج زیرا اگر بماند و در آینده به آنها نظر کند پشیمان شده و اگر فوت شود دیگران به وی ناسزا گویند

زیرا بسا حواشی اشتباه بوده یا بسیار سطحی و قابل درج کردن نمیباشد. سزاوار است علم با تعظیم و احترام شنیده شود نه با استهزاء و سخریه و نیز شایسته است خود نوع علم را اختیار نکرده بلکه در انتخاب آن به استاد مراجعه کند

زیرا استاد در این باره تجاربی را در وقت تحصیلش بدست آورده و علمی را که سزاوار هرکس باشد احراز نموده و دانشی را که لایق به طبیعت اشخاص باشد میداند چیست و شایسته است طالب علم نزدیک استاد ننشیند مگر حاجت و ضرورتی اقتضاء آنرا بنماید

بلکه جا دارد بین وی و استاد به مقدار یک کمان فاصله شود چه آنکه این امر به تعظیم استاد اقرب و نزدیکتر است.

بر طالب علم سزاوار است از اخلاق زشت و ناپسند احتراز کند چه آنکه اخلاق بد در معنا سگهائی هستند که شخص با آنها محشور است. پیامبر بزرگ اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

در خانه ای که سگ یا صورت آن نصب شده باشد ملائک داخل نمیشوند.

فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به

تحصیل آن

متن:

الفصل الرابع: في الجدّ و المواظبه و الملازمه ثمّ لا بدّ لطالب العلم من الجدّ و المواظبه و الملازمه.

قيل: من طلب شيئاً و جدّ وجد و من قرع باباً و ليجّ و ليج.

و قيل: بقدر ما يسعى ينال ما يتمنى.

قيل: يحتاج في التعلّم الى جدّ الثلاثه: المتعلّم و الاستاد و الاب
انكان في الحيوه. و لا بدّ لطالب العلم من المواظبه على الدّرس و التّكرار في
اوّل اللّيل و آخره و ما بين العشائين و وقت السّحر و وقت مبارك.

قيل: من اسهر نفسه باللّيل فقد فرح قلبه بالنّهار و يغتنم ايام الحدائه و
عنفوان الشّبّاب و لا يجتهد نفسه جهدا يضعف النّفس ينقطع عن العمل، بل
يستعمل الرّفق في ذلك. و الرّفق في ذلك اصل عظيم في جميع الاشياء.

ترجمه:

بر طالب علم لازمست در راه تحصیل علم سعی و کوشش کرده و بر بدست
آوردنش مواظبت جمیل نموده و با هرچه سبب رسیدن به آن است ملازم و
همراه باشد لذا در این باره چنین گفته شده:

کسیکه چیزی را طلب کند و برای تحصیلش جدّ و جهد نماید آنرا می یابد و کسیکه دربی را بکوبد و از خود اصرار نشان دهد بالاخره درب باز شده و وی بدرون داخل میشود. و نیز گفته شده:

بمقداری که شخص سعی و کوشش کند به آرزو و آنچه تمنا دارد میرسد. و همچنین گفته شده:

در تعلّم و فراگرفتن علم به سعی و کوشش سه نفر نیاز است: 1- طالب علم و فراگیرنده آن. 2- استاد. 3- پدر در صورتیکه در حیات باشد. طالب علم باید بر درس و تکرار آن در ابتداء و انتهای شب و بین مغرب و عشاء و وقت سحر و زمانیکه مبارک است مواظبت داشته باشد. در این باره گفته شده:

کسیکه در شب بیداری بکشد در روز قلبش شاد مییابد، طالب علم باید ایام نوجوانی و شباب را غنیمت شمارد، خود را به مشقتی که نفسش را ضعیف و از انجام اعمال وی را بازدارد نیندازد بلکه در این راه طریق مراقبت را به پیماید چه آنکه مدارا و مراقبت اصل عظیمی است در جمیع اشیاء.

متن:

و لا بدّ لطالب العلم من الهمة العالیة فی العلم، فان المرء یطیر بهمة کالطیر
یطیر بجناحیه، فلا بدّ ان یکون همته علی حفظ جمیع الکتب حتی یحصل
البعض. فاما اذا کان له همّة عالیة و لم یکن له جدّ او کان له جدّ و لم یکن
له همّة عالیة لا یحصل له الاّ قلیلا من العلم و ینبغی ان یتعب نفسه علی الجدّ
والتحصیل و المواظبه بالتأمّل فی فضائل العلوم و دقایقها، فانّ العلم یتقی و غیره
یفنی، فانّه حیوه ابدیه.

ترجمه:

طالب علم شایسته است که در تحصیل علم همّتی عالی و بلند داشته باشد چه آنکه شخص همچون پرنده ای که با دو بالش پرواز میکند با همّت خود میتواند طیران نماید، از این رو می باید همّتش بر حفظ تمام کتب بوده تا بر بعض آن نائل آید.

و اما وقتی همّتی عالی داشت ولی جدّ و جهد نمود یا جدّ و جهد داشت و فاقد همّتی عالی بود از علم قلیلی را تحصیل میکند و از دانش نفع کثیری نمی برد.

سزاوار است نفس خود را در سعی و تحصیل و مواظبت بر آن بواسطه دقّت در فضائل علوم و نکات برجسته و باریک آنها به مشقّت و تعب بیاندازد و این رنج و مشقّت

بجا و ارزشمند است چه آنکه علم باقی مانده و غیر آن فانی میشود زیرا علم زندگانی جاودانی است.

متن:

قیل: العالمون احياء و ان ماتوا.

و كفى بلذّة العلم داعيا الى التّحصيل للعاقل و قد يتولّد الكسل من كثرة البلغم و الرّطوبات. و طريق تقليله، تقليل الطّعام و ذلك، لانّ النّسيان من كثرة البلغم و كثرة البلغم من كثرة شرب الماء و كثرة شرب الماء من كثرة الاكل و الخبز اليابس يقطع البلغم و الرّطوبة و كذا اكل الزّبيب.

و لا يكثر الاكل منه حتّى لا يحتاج الى شرب الماء، فيزيد البلغم.

ترجمه:

گفته شده: دانشمندان زنده اند اگرچه بحسب ظاهر از دنیا رخت بر بسته باشند. و لذت علم و دانش خود کافی است که عاقل را به تحصیل آن دعوت نماید. و گاه باشد که کسالت و خمودگی از کثرت بلغم و ازدیاد رطوبات متولدشود و راه کاهش دادن آن کم خوردن است زیرا فراموشی از بلغم زیادی پدید آمده و زیادی بلغم از کثرت شرب آب بوجود می آید و زیاد نوشیدن آب از پرخوری حاصل میشود و نان خشک بلغم و رطوبت را از بدن قطع و ریشه کن مینماید چنانچه خوردن کشمش نیز واجدهمین خصوصیت است. لازم بتذکر است خوردن زیاد کشمش را نیز ترک کند تا احتیاج به نوشیدن آب زیاد نشده و در نتیجه بلغم زیاد گردد.

متن:

و السّواک یقلّل البلغم و یزید فی الحفظ و الفصاحه.
و کذا القیّ یقلّل البلغم و الرطوبات و طریق تقلیل الاکل التأمّل فی
منافع قلّه الاکل و هی الصّحّه و العفّه و غیرهما و التأمّل فی مضارّ کثره الاکل
و هی الامراض و کلاله الطبع.

و قیل: البطنه تذهب الفطنه. و ینبغی ان لا یأکل الاطعمه الدّسمه و یقدّم فی
الاکل الالطف و الاشهی و ان لا یسعی فی الاکل و النّوم الّا لغرض الطّاعات
کالصّلوٰه و الصّوم و غیرهما.

ترجمه:

و مسواک نمودن موجب کم شدن بلغم و زیادی حافظه و پیدا شدن فصاحت

میگردد و نیز قی کردن و استفراغ نمودن بلغم و رطوبات بدن را کم میکند. و طریق کاهش دادن خوردن اینست که شخص در منافع آن از قبیل صحت و تندرستی و عفت نفس بیاندیشد و از طرفی در مضار و مفسد پرخوری که امراض و بیماریهای ناشی از آن و وامانده گی طبع و غیر متعادل شدن آن است تأمل نماید.

گفته اند: پرخوری و شکم پرستی زیرکی و فطانت را از بین میبرد. شایسته است اغذیه چرب نخورند، در وقت تناول ابتداء غذاهای نرم و لذیذ را بخورند به خوردن غذا و خوابیدن روی نیاورده مگر به منظور پیدا شدن قوه و نشاط جهت طاعات همچون نماز و روزه و غیر ایندو.

فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتيب آن

اشاره

متن: الفصل الخامس في بدايه السَّبِق و قدره و ترتيبه

ينبغي ان يكون بدايه السَّبِق يوم الاربعاء كما قال رسول الله ﷺ :

ما من شئى بدء يوم الاربعاء الا و قد تمّ و كلّ عمل من اعمال الخير لا بدّ ان يوقع يوم الاربعاء و ذلك لانّ يوم الاربعاء يوم خلق الله فيه النور و هو يوم نحس في حقّ الكفّار، فيكون مباركا. و اما قدر السَّبِق في الابتداء: فينبغى ان يكون قدر السَّبِق للمبتدء بقدر ما يمكن بالاعاده مرتّين بالرّفق و التدريج. فاما اذا طال السَّبِق في الابتداء و احتاج الى الاعاده عشر مرّات فهو في الانتهاء ايضا كذلك لانه يعتاده كذلك و لا يترك تلك الاعاده بجهد كثير.

و قد قيل: الدّرس حرف و التّكرار الف.

ترجمه:

شایسته است که ابتداء شروع به درس را روز چهارشنبه قرار دهند چنانچه

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند:

هیچ چیزی در روز چهارشنبه شروع نشده مگر آنکه به اتمام میرسد و هر عملی از اعمال خیر لازم است در روز چهارشنبه واقع شود زیرا در این روز حقتعالی نور را بیافرید و این روزی است که در حق کفار نحس بوده بنابراین برای مؤمنین روز میمون و مبارکی است.

مقدار ابتداء شروع به درس

و اما مقدار شروع به درس در روز اوّل سزاوار است باندازه ای باشد که شخص بتواند به تائی و آرامی آنرا دو بار اعاده کند یعنی به دو مرتبه مطالعه درس را بخوبی یاد گیرد.

و اما اگر بقدری درس طولانی باشد که با دو مرتبه مطالعه و یکبار تکرار نتواند آنرا یاد گرفته بلکه به ده بار نیازمند باشد پس در پایان نیز چنین بوده و هر مطلبی را می باید ده بار تکرار کند تا بیادش بماند چون وقتی در ابتداء شروع اینطور نمود عادتش بر آن مستقر میگردد.

شایسته نیست که شخص طالب علم تکرار و اعاده درس را واگذارد بلکه در این راه سزاوار است رنج و مشقت بسیار متحمل گردد و دروس خود را تکرار کند چه آنکه گفته شده:

درس یک حرف بوده و تکرارش هزار حرف میباشد.

ترتيب قرائت دروس

متن:

و ينبغي ان يبتدى بشيى يكون اقرب الى فهمه و الاساتيد كانوا يختارون للمبتدى صغارات المتون اقرب الى الفهم و الضبط، فينبغى ان يعيد السبق بعد الضبط و الاعاده كثيرا و لا يكتب المتعلم شيئا لا يفهمه، فانه يورث كلاله الطبع و تذهب الفطنه و يضيع الاوقات. و ينبغي ان يجتهد فى الفهم من الاستاد بالتأمل و التفكر و كثره التكرار فانه اذا قلّ السبق و كثر التكرار و التأمل يدرك و يفهم. و قيل: حفظ حرفين خير من سماع ورقين. فاذا تهاون فى الفهم و لم يجتهد مره او مرتين يعتاد ذلك فى الفهم، فلا يفهم الكلام اليسير فينبغى ان لا يتهاون فى الفهم بل يجتهد و يدعو الله تعالى

و يتضرع اليه، فانه يجيب من دعاه و لا يخيب من رجاه.

ترجمه:

ترتیب قرائت دروس

شایسته است طالب علم ابتداء به درسی شروع کند که بفهمش نزدیکتر باشد و اساتید نیز برای مبتدی متون کوتاه و کم را که بفهم متعلمین اقرب و نزدیک تر است برگزینند.

سزاوار است بعد از اینکه درس را ضبط و حفظ نمود آنرا اعاده نماید و این امر را بحدّ کثرت و وفور برساند چیزی را که نفهمیده ننویسد چون موجب خستگی طبع بوده و فطانت و زیرکی را از بین میبرد و اوقات را ضایع و تباه میسازد. شایسته است در فهمیدن درس از استاد جهد و کوشش کرده و در این راه از تأمل و تفکر غفلت نرزد آنرا زیاد تکرار نماید چه

آنکه درس وقت کم بود و تکرارش زیاد و تأمل در آن فراوان قطعاً درس درک شده و فهمیده میشود. گفته شده: حفظ نمودن دو حرف از شنیدن دو ورق مطالب بهتر است. بنابراین وقتی در فهم مطالب سستی از خود نشان داد و سعی در تکرار آن به یک یا دو بار نمود و این معنا در فهم و ادراکش عادت شده و در نتیجه کلام و سخن کوتاه و کم را نمی فهمد لذا شایسته است از هرگونه سستی در فهم مطالب و مسائل

احتراز کرده و در قبال آن اجتهاد و سعی در فراگرفتن آنها بکند و همراه سعی و کوشش از خداوند متعال قوه فهم و ادراک نیز خواسته و بدرگاهش تضرع و زاری نماید چه آنکه حضرتش جلّ و علا کسی را که او را بخواند اجابت کرده و امیدش را قطع نمیکند.

متن: و لا بدّ لطالب العلم من المطارحه و المناظره، فینبغی ان یکون بالانصاف و التّائی و التّأمّل فیحترز عن الشّغب و الغضب، فانّ المناظره و المذاکره مشاوره، انّما یکون لاستخراج الصّواب و ذلک انّما یحصل بالتّأمّل و

الانصاف و لا يحصل بالغضب و الشَّغْب. و فايده المطارحه و المناظره اقوى
من فايده مجرد التكرار، لانّ فيه تكرارا مع زياده.

قيل: مطارحه ساعه خير من تكرار شهر لكن اذا كان منصفا سليم الطَّبَع.
و ايتاك و المناظره مع غير مستقيم الطَّبَع، فانّ الطَّبِيعه مسترقّه و الاخلاق متعدّيه
و المجاوره مؤثّره. و ينبغى لطالب العلم ان يكون متأمّلا فى جميع الاوقات فى
دقائق العلوم و يعتاد ذلك، فانّما يدرك الدقائق بالتأمّل و لهذا

قيل:

تأمل، تدرک.

ترجمه:

بر طالب علم لازم است که مجلس مباحثه و مناظره داشته باشد و شایسته است در این مجلس از طریق انصاف و آرامش و تأمل خارج نشود، از خصومت و اعمال غضب دوری نماید چه آنکه مناظره و مذاکره خود نوعی مشاورت و تبادل افکار بوده که جهت استخراج مطالب حقه و رسیدن به صواب صورت میگیرد و بدون تردید این غرض با تأمل و اعمال انصاف حاصل شده و ابدا از طریق غضب و طرح منازعه و خصومت بدست نمی آید.

باید دانست که فایده و نفع مباحثه و مناظره از فایده صرف تکرار شدیدتر و قوی تر است چه آنکه در آن هم تکرار درس بوده و هم امری زائد بر آن. در این باره گفته شده: یک ساعت مباحثه داشتن از تکرار یک ماه بهتر است مشروط باینکه شخص منصف و دارای طبعی سالم باشد. الحذر از مباحثه با کسیکه سلیقه و طبعی غیر مستقیم دارد چه آنکه

طبیعت بشری رقیق و لطیف بوده و قابلیتش برای اثر و پذیرش خصلت ها در حد کمال است و از طرفی دیگر اخلاق متعددی و مسری بوده و مجاورت با اشخاص کاملاً مؤثر است. شایسته است که طالب علم در تمام اوقات خود را به تأمل و دقت در دقائق علوم و مطالب باریک و ظریف علمی وادار کند و نفس خویش را بآن عادت دهد چه

آنکه دقائق علوم به تأمل نمودن و امعان نظر درک میشود و از اینرو است که گفته اند: دقت نما تا درک کنی.

متن: و لا بدّ من التأمّل قبل الكلام حتّى يكون صواباً، فانّ الكلام

كالتَّهَم، فلا بدّ من تقديمه بالتأمّل قبل الكلام حتّى يكون ذكره مصيباً في
اصول الفقه. وهذا اصل كبير و هو ان يكون كلام الفقيه المناظر بالتأمّل.

و يكون مستفيداً في جميع الاحوال و الاوقات و عن جميع الاشخاص. قال
رسول الله ﷺ

الحكمه ضالّه المؤمن اينما وجدها اخذها.

و قيل: خذ ما صفى ودع ما كدر.

و ليس لصحيح البدن و العقل عذر في ترك العلم.

ترجمه:

لازمست پيش از سخن گفتن تأمل و فكر نموده تا كلامش صواب باشد چه
آنكه سخن همچون تير است پس چاره اى نيست از تقديم تأمل و فكر پيش از
آن تا ذكرش در اصول فقه به صواب برسد و اين قاعده و اصل بزرگى ميباشد
كه عبارتست از اينكه كلام فقيه براى شخص ناظر از روى تأمل و فكر باشد.
و شايبسته است كه طالب علم در جميع احوال و تمام اوقات مستفيد بوده و
از تمام اشخاص بهره ببرد.

پيامبر اكرم ﷺ فرمودند:

حكمت گمشده مؤمن بوده هر كجا كه آنرا بيابد برميدارد. و گفته شده: آنچه
صاف و از آلوده گيها منزّه است بگير و آنچه كدر و تيره است واگذار.
و كسيكه داراى بدن و عقل سالمى است در ترك علم و دانش معذور
نميباشد. متن:

و للمتعلّم ان يشتغل بالشكر باللسان و الاركان بان يرى الفهم والعلم من الله
تعالى و يراعى الفقراء بالمال و غيره و يطلب من الله تعالى التوفيق و الهدايه، فانّ
الله تعالى هاد لمن استهداه به. و من يتوكّل على الله فهو حسبه انّ الله بالغ امره

قد جعل الله لكل شئ قدرًا. و ينبغي لطالب العلم ان يكون ذا همّة عالية لا يطمع في اموال الناس.

قال رسول الله ﷺ: ايتاك و الطمع، فانه فقر حاضر، فلا ينجل بما عنده من المال، بل ينفق على نفسه و على غيره.

قال رسول الله ﷺ: الناس كلهم في الفقر مخافه للفقر. و كان في الزمان الاول يتعلمون الحرفه، ثم يتعلمون العلم حتى لا يطمعون في اموال الناس.

و في الحكمة: من استغنى بمال الناس افتقر و العالم اذا كان طامعا لا يبقى له حرفه العلم و لا يقول بالحق. ترجمه: بر متعلم و فراگیرنده دانش است که زبان و اعضاء و جوارحش را به شکرگذاری حقتعالی مشغول نماید و مقصود از شکر اینست که فهم و دانش را از جانب حقتعالی دیده و نیازمندان را با مال و غیر آن مورد ملاحظت و رعایت خویش قرار دهد و پیوسته از حضرتش فراهم آمدن اسباب و هدایت را بخواهد چه آنکه باریتعالی هرکسی را که از وی طلب هدایت کند رهنمائی فرماید. چنانچه خود در قرآن عزیز میفرماید: کسیکه بر خدا توکل کند پس او کفایتش کند او است که امرش بر تمام ماسوی نافذ میباشد، برای هرچیز اندازه و مقداری مقرر فرموده است. سزاوار است که طالب علم دارای همّتی بلند بوده و هرگز در اموال و ثروت مردم طمع و چشم داشتی نداشته باشد. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: الحذر از طمع، چه آنکه آن فقری است فعلی، پس طالب علم بخل نکرده و آنچه نزدش از مال است بر خود و دیگران انفاق کند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: تمام مردم بجهت ترس از فقر در نداری و بی چیزی زندگی میکنند.

در زمانهای پیش ابتداء حرفه و صنعتی را می آموخته پس از آن به یاد گرفتن علم میپرداختند تا بدینوسیله در اندوخته های مردم چشم داشتی نداشته باشند. و در کلام حکمت آمیز آمده: کسیکه به مال مردم غناء بطلبد فقیر میگردد و عالم وقتی طمع در مال دیگران داشت برایش علمی باقی نمیماند و هرگز بحق تکلم نمیکند. متن: و ینبغی لطالب العلم ان يعدّ نفسه و یقدرّ تقدیرا فی التکرار، فانّه لا یستقرّ قلبه حتّی لا یبلغ ذلک المبلغ. و ینبغی ان یکرّر سبق الامس خمس مرّات و سبق الیوم الذی قبل الامس اربع مرّات و سبق الذی قبله ثلاثا و الذی قبله اثنان و الذی قبله واحدا فهذا ادعی و اقرب الی الحفظ و التکرار. فینبغی ان لا یعتاد المخافه فی التکرار، لانّ الدّرس و التکرار لا بدّ ان یكون بقوه و نشاط و لا یجتهد جهدا یجهد نفسه لئلا ینقطع عن التکرار، فخیر الامور اوسطها و لا بدّ له من المداومه فی العلم من اوّل التّحصیل الی آخره.

ترجمه: سزاوار است طالب علم خود را آماده و مهیا نموده و در تکرار مقداری را معین و تقدیر نماید چه آنکه قلب او آرام نخواهد گرفت مگر آنکه به آن مبلغ و مقدار برسد. و شایسته است درس روز قبل را پنج بار و درس روزی که پیش از آنست چهار مرتبه و درس قبل از آنرا سه و آنچه پیش از آنست دو و درس جلوتر از آنرا یک بار مرور و تکرار نماید چه آنکه این امر به

حفظ مطلب نزدیکتر و اثرش در آن بیشتر است. سزاوار است در مقام تکرار خفت و سستی را شعار خود نکند چه آنکه درس و تکرارش هر دو می باید با نیرو و نشاط باشد، سعی کند که خود را خسته و کوفته نسازد تا از تکرار بازماند چه آنکه بهترین امور حدّ وسط آنها میباشد. لازمست طالب علم از ابتداء تحصیل تا پایانش مداومت در علم و دانش داشته باشد.

فصل ششم: در بیان توکل

متن:

الفصل السادس في التوكل لا بدّ لطالب العلم من التوكل و لا يهّم لامر الرزق و لا يشغل قلبه بذلك و يصبر، لأنّ طلب العلم امر عظيم و في طلب تحصيله اجر جزيل و هو افضل من القرائه عند اكثر العلماء فمن صبر على ذلك فقد وجد لذّه تفوق ساير لذّات الدّنيا و لهذا كان محمّد بن الحسن الطّوسى (ره) اذا اسهر اللّيلى و حلّ له مشكلات يقول: اين ابناء الملوك من هذه اللّذّه. و ينبغي ان لا يشغل بشيئ و لا يعرض عن الفقه و الحديث و التّفسير و القرآن.

ترجمه: برای طالب علم لازمست که خود را به صفت حسنه توکل آراسته و همّتش را برای امر رزق و روزی صرف نکرده و دلش را برای این امر مشغول نکرده بلکه در این رابطه صابر و شکیبا باشد چه آنکه طلب دانش امر بزرگی است و در طلب آن اجر فراوانی میباشد و از نظر اکثر ارباب علم طلب دانش افضل و برتر است از قرائت و خواندن آن لذا کسی که در تحصیل آن صابر باشد پس لذّتی می یابد فوق تمام لذّات دنیا از اینرو بود که مرحوم شیخ اجلّ محمّد بن حسن طوسی معروف به شیخ طائفه امامیه قدّس سرّه وقتی شبها را بی خوابی میکشید و در حلّ مشکلات علوم صبر به خرج میداد تا برایش گره گشاده میگشت میفرمود:

فرزندان سلاطین کجا هستند تا لذّت علم را که من می چشم بچشند. شایسته است طالب علم خود را به شیئی مشغول و سرگرم نکند و از فقه و حدیث و تفسیر و قرآن اعراض ننماید.

فصل هفتم: در بیان وقت تحصیل

متن: الفصل السابع في وقت التّحصيل قيل: وقت التّعلّم من المهد الى اللّحد. و افضل اوقاته شرع الشّباب و وقت السّحر و ما بين العشائين. و ينبغي ان يستغرق جميع اوقاته، فاذا ملّ من علم يشتغل بعلم آخر. و كان محمّد بن الحسن لا ينام اللّيل و كان يضع عنده دفاتر اذا ملّ من نوع ينظر الى نوع آخر و كان يضع عنده الماء و يزيل نومه بالماء و كان يقول: النّوم من الحراره.

ترجمه: چنین گفته شده: وقت تعلّم و فراگیری دانش از گهواره تا گور میباشد. و برترین اوقاتش ایام جوانی و هنگام سحر و بین عشائین (زمان بین مغرب و عشاء) میباشد. و شایسته است که طالب علم تمام وقتش را مستغرق در تحصیل علم نماید، پس وقتی از علمی ملول و دل‌تنگ گردید به دانش دیگر خود را سرگرم کند. در احوالات مرحوم شیخ الطّائفه محمّد بن حسن طوسی آمده که ایشان شب را نخوابیده و نزدشان دفاتر و کتبی می نهادند و وقتی از یک نوع دانش خسته و دل‌تنگ می شدند به نوع دیگرش نظر می افکندند و پیوسته در کنارش آبی بود که خواب را با آب از خود دور میساخت و میفرمود: خواب از حرارت ناشی میشود.

فصل هشتم: در بیان مهربانی و نصیحت

متن: الفصل الثامن فی الشَّفَقَه و النَّصِيحَه ینبغی ان ینكون صاحب العلم مشفقاً، ناصحاً، فالحسد یضُرّ و لا ینفع، بل یشغله نیه تحصیل الکمال و ینبغی ان ینكون همّه المعلّم ان ینصیر المتعلّم فی قرنه عالماً و یشفق علی تلامذته بحیث فاق علی علماء العالم. و ینبغی لطالب العلم ان لا ینازع احداً و لا یخاصمه، لانه یضیع الاوقات، فالمحسن سیجزی باحسانه و المسئ سیکفیه مساویه. قیل: علیک ان تشتغل بمصالح نفسک لا بقهر عدوِّک، فاذا اقامت بمصالح نفسک تضمّن ذلك قهر عدوِّک ایاک و المعادات فانّها تفضحک و تضيع اوقاتک و علیک بالتأمل لا سیما من السفهاء و ایاک ان تظنّ بالمؤمن سوء، فانه منشاء العداوه و لا یحلّ ذلك لقوله علیه السلام: ظنوا بالمؤمنین خیراً. و انما ینشاء ذلك من حیث النفس.

ترجمه: شایسته و سزاوار است صاحب علم مهربان، ناصح و پنددهنده بوده و از حسد و رشک بردن بر حذر باشد چه آنکه حسد مضرّ بوده و نفعی ندارد بلکه وجود چنین صفت ذمیمه ای صاحب دانش و طالب علم را از نیت تحصیل کمال باز میدارد. و سزاوار است اینکه همّت استاد و معلّم این باشد که متعلّم و شاگرد را در بین اقران و امثالش عالم برجسته و دانشمندی فرزانه گرداند. و نیز از وظایف معلّم اینست که بر شاگردان خود دلسوز و مهربان باشد بطوریکه ایشان را به نوع و نحوی تربیت کند که بر دانشمندان عالم برتر گردند. و شایسته و سزاوار است که اهل علم و طالب دانش با احدی در مقام منازعه و مخاصمه برنیاید زیرا این امر اوقات شریف را تباه و تضييع میکند و در قبال آن محسن بزودی بواسطه احسانش مأجور واقع شده و مسئ و بدرفتار عنقریب گرفتار زشتی اعمال و رفتارش خواهد شد. چنین گفته شده: بر تو است که در راه اصلاح نفس خود کوشا بوده و از قهر و غلبه بردشمنت اجتناب و دوری نمائی

چه آنکه وقتی به تربیت نفس و اصلاح آن قیام نمودی بردشمنت نیز قاهر و غالب خواهی آمد. الحذر از اعمال دشمنی چه آنکه آن تو را مفتضح و رسوا کرده و اوقات گرانبهایت را تباه میسازد و بر تو است که تأمل و حالت احتیاط داشته باشی مخصوصاً از اشخاص نادان و سفیه و الحذر از سوء ظن بردن به اهل ایمان چه آنکه این امر منشاء و سبب عداوت ها و دشمنی ها مییاشد و از حیث شرع نیز حلال و جایز نیست چه آنکه معصوم علیه السلام فرمودند:

به مؤمنین گمان نیک برید.

و این حالت بدبینی و سوء ظن صرفاً از جانب نفس و ناشی از آن مییاشد.

فصل نهم: در بیان استفاده

متن: الفصل التاسع في الاستفادة ينبغي لطالب العلم ان يكون مستفيدا في كل وقت حتى يحصل له الفضل. و طريق الاستفادة ان يكون معه في كل وقت محبره حتى يكتب ما يسمع من الفوائد قيل: ما حفظ فرّ و ما كتب قرّ. قيل: العلم ما يؤخذ من افواه الرجال لانهم يحفظون احسن ما يسمعون ويقولون احسن ما يحفظون. و وصى شخص لابنه بان يحفظ كل يوم شقفا من العلم، فانه يسير و عن قريب يصير كثيرا فالعلم كثير و العمر قصير، فينبغي ان لا يضع الطالب له الاوقات والساعات و يغتنم الليالي و الخلوات.

قيل: الليل طويل، فلا تقصره بمنامك و النهار مضيئ، فلا تكدره بآثامك.

ترجمه: سزاوار است طالب علم در تمام اوقات در مقام استفاده باشد تا براي ش فضل و کمال حاصل شود. و طريق و راه استفاده اينست که پيوسته با وی دواتی بوده تا آنچه از فوائد و مطالب ارزنده را می شنود بنويسد. گفته شده: آنچه حفظ ميشود فراموش شده و آنچه نوشته ميگردد ثابت و مستقرميمانند. و نیز گفته اند:

دانش آنستکه از دهان بزرگان گرفته شود چه آنکه ايشان بهترين کلماتی را که می شنوند حفظ کرده و نيکوترين محفوظات خود را بازگو میکنند. گفته اند شخصی فرزندش را چنين سفارش نمود که هرروز پاره و قسمتی از علم را فرا بگیر، چه آنکه آن کم و ناچيز است ولی بزودی اين اندک بسيار و فراوان ميگردد. دانش و علم بسيار و فراوان است و در مقابلش عمر و وقت کوتاه، پس شايسته است طالب علم وقت و ساعات خود را تباه نکرده و شبها را مغتنم شمرد و از خلوات استفاده و بهره بردارد.

گفته اند: شب طولانی است پس با خوابیدن آنرا کوتاهش مکن و روز نورانی
بوده پس با نافرمانی ها و گناهانت مکدر و تیره اش منما. متن: و ینبغی لطالب
العلم ان یغتنم الشیوخ و یتفید منهم و لا یتحسر
لکلّ مافات، بل یغتنم ما حصل له فی الحال و الاستقبال من تحمیل المشاقّ و
المذلّه فی طلب العلم و التملّک مذموم الّا فی طلب العلم، فانه لا بدّ له من التملّک
للاستاد و الشّرکاء و غیرهم للاستفاده. و قیل: العلم عزّ لا ذلّ فیه و لا یدرک
الّا بذلّ لا عزّ فیه.

ترجمه: و برای طالب علم شایسته و سزاوار است که اساتید و بزرگان علم را
در نظر داشته و وجودشان را مغتنم شمرده و از ایشان بهره ببرد و بر اوقات از
دست رفته حسرت نخورده بلکه برای آنچه از زمان حال و آینده باقیمانده
ارزش قائل شده و سعی کند آنها از دستش بیهوده نروند لذا خود را به تحمیل
مشاقّ و ادا نموده و در راه طلب علم هرذلت و خواری را بر خود هموار نماید.
چاپلوسی و تملّک در همه امور مذموم و ناپسند است مگر در راه تحصیل علم
چه آنکه طالب علم می باید از استاد و شرکاء در بحث و دیگران بمنظور
استفاده از آنها تملّک نموده و چاپلوسی کند.

گفته شده: علم عزیز و شریف بوده ذلّت و خواری در آن نیست ولی درک
نمیشود مگر به خواری که عزّت در آن نمیباشد.

فصل دهم: در بیان تقوی در مقام تعلم

متن: الفصل العاشر فی الورع فی التعلّم روی حدیث فی هذا الباب عن رسول

اللّه ﷺ انه

قال: من لم يتورّع في تعلّمه ابتلاه الله باحد من ثلاثه اشياء: اما ان يميته في شبابه او يوقع في الرّسائيق او يبتليه بخدمه السلطان فمهما كان طالب العلم اورع كان علمه انفع و التّعليم له ايسر و فوائد اكثر. و من الورع ان يحترز عن الشّيع و كثره الكلام فيما لا ينتفع و ان يحترز عن اكل طعام السّوق ان امكن لانّ طعام السّوق اقرب الى النّجاسه و الخبائه و ابعد عن ذكر الله تعالى و اقرب الى الغفله، لانّ ابصار الفقراء تقع عليه و لا يقدرّون على الشّراء فيتأذّون بذلك، فيذهب بركته.

ترجمه: حدیث و روایتی در این باب از وجود مبارک حضرت رسول

اکرم ﷺ نقل شده و آن اینستکه فرمودند: کسیکه در فراگرفتن علمش

ورع و تقوی نداشته باشد حقتعالی وی را به یکی از سه چیز مبتلاء میفرماید: یا او را جوانمرگ میکند یا در ده قرارش داده و عالم اهل ده میگردد و یا بخدمت سلطان مبتلایش میکند. پس طالب علم هرچه تقوایش بیشتر بوده دانشش پر بارتر و تعلیم برایش سهل تر و فوائد آن بیشتر است. و از تقوی و ورع است اینکه از سیر کردن شکم و تکلم زیاد در اموری که نفعی ندارد اجتناب کرده و از تناول غذای بازار حتی الامکان پرهیزد چه آنکه طعام بازار به نجاست نزدیکتر و خبائثش بیشتر بوده و انسان را از یاد خدا دور و به غفلت نزدیک مینماید زیرا چشمان فقراء به آن دوخته شده و قادر بر خریدنش نبوده و از اینرودر اذیت قرار گرفته اند و در نتیجه برکت از آن رفته است. متن:

و ينبغي لطالب العلم ان يحترز عن الغيبه و عن مجالسه مكثار الكلام، فانّ من

يكثر الكلام يسرق عمره و يضيّع اوقاتك. و من الورع ان يجتنب من اهل

الفساد و التّعطيل، فانّ المجالسه مؤثّره لا محاله و ان يجلس مستقبل القبله فى حال التّكرار و المطالعه و يكون مستنّا بسنّه

النّبىّ ﷺ . و يغتنم دعوه اهل الخير عن دعوه الظّلم و يطلب الهّمّه و استدعى من الصّالحين .

ترجمه: سزاوار است طالب دانش از غيبت و پشت سرگوئی ديگران اجتناب کرده و از هم نشينى با كسيكه سخن بسيار ميگويد پرهيز نمايد چه آنكه شخص پرسخن عمر تو را به يعما برده و اوقات راتباه ميكند. و از تقوى است اينكه از اهل فساد و كساد اجتناب نمايد چه آنكه مجالست و هم نشينى مؤثّر بوده و قطعاً حالات و صفات هم نشين در شخص اثر ميگذارد. سزاوار است در حال بحث و مطالعه رو به قبله بنشيند، پيوسته مؤدّب به آداب نبوى ﷺ باشد. دعوت اهل خير را مغتنم شمرده و اجابت کرده و از دعوت ظالم و ستمكار حذر نمايد، طالب همّت بوده و از صالحين استدعاى دعاء داشته باشد.

متن: و ينبغى لطالب العلم ان لا يهاون برعايه الآداب و السنن، فانّ من تهاون بالآداب حرم السنن و من تهاون بالسنن حرم الفرائض و من تهاون بالفرائض حرم الآخره. و قال بعضهم: هذا حديث من رسول الله ﷺ و ينبغى ان يكثر الصّلوه و يصلّى صلوه الخاشعين، فانّ ذلك عون من التّحصيل و التّعلّم. و ينبغى ان يستصحب دفترًا على كلّ حال يطالعه.

قيل: من لم يكن الدّفتّر فى كمّه لم يثبت الحكمه فى قلبه. و ينبغى ان يكون فى الدّفتّر بياض و يستصحب المحبره ليكتب ما يسمعه كما قال النّبىّ ﷺ
لهلال بن يسار حين قرّر له العلم و الحكمه: هل معك محبره؟ ترجمه:

برای طالب علم سزاوار است که در رعایت آداب اخلاق و سنن سستی

نورزد

چه آنکه کسیکه به آداب سستی نشان دهد از سنن و مستحبات محروم شده و آنکس که در انجام مستحبات سهل انگار باشد از انجام واجبات بازمانده و شخصی که به فرائض و واجبات اهمال و سستی نشان دهد از آخرت و عوائد آن محروم است. بعضی از بزرگان فرموده اند: عبارتی که نقل شد حدیثی است منقول از حضرت رسول اکرم ﷺ: سزاوار است طالب علم نماز بسیار بخواند، نمازش، نماز خاشعین بوده و در آن بجز خدا فکر ننماید و خود را در پیشگاه مقدّسش ذلیل و خرد بداند چه آنکه این امر خود برای تحصیل و فراگرفتن علم کمک و یاور میباشد. بسیار بجا است که طالب دانش همراهش همیشه دفتری بوده که آنرا مطالعه نماید. گفته اند: کسیکه در آستینش دفتری نباشد هرگز حکمت در دلش قرار نمیگیرد. سزاوار است در دفتر قسمتی سفید گذارده و همراه خود قلمی بردارد تا آنچه را که می شنود در آنجا بنویسد چنانچه پیغمبر اکرم ﷺ وقتی برای هلال بن یسار علم و حکمت را تقریر مینمودند فرمودند: آیا با تو قلمی میباشد؟

فصل یازدهم: در آنچه موجب حفظ و فراموشی میباشد

اشاره

متن: الفصل الحادی عشر فی ما یورث الحفظ و النسیان و اقوی اسباب الحفظ الجدد و المواظبه و تقلیل الغذاء و صلوه اللیل بالخضوع و الخشوع و قراءه القرآن من اسباب الحفظ. قیل: لیس شیئی ازید فی الحفظ من قراءه القرآن لا سیما آیه الکرسی و قراءه القرآن نظرا افضل لقوله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ افضل اعمال امتی قراءه القرآن نظرا. و بکثره الصلوات علی النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و المسواک و شرب العسل و اکل الکندر مع السكر و اکل احدی و عشرين زبیه حمراء فی کلّ یوم. و کلّ ذلك یورث الحفظ و یشفی من کثره الامراض و الاسقام. و کلّ ما یقلّل البلغم و الرطوبات یزید فی الحفظ.

ترجمه: مؤثرترین اسباب و موجبات حفظ سعی نمودن و مواظبت داشتن و مراقب بودن میباشد.

کم تناول کردن غذا و بجای آوردن نماز شب با حالت خضوع و خشوع و خواندن قرآن مجید نیز از موجبات حفظ و ماندن مطالب میباشد. گفته شده: چیزی مؤثرتر در حفظ مسائل و مطالب از قرائت قرآن نبوده مخصوصا خواندن آیه الکرسی. البته افضل و بهتر آنستکه قرآن را از رو خوانده و در وقت تلاوت به خطوطش نظر نمایند چه آنکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: بالاترین و والاترین اعمال امت من اینستکه قرآن را با نظر نمودن به آن بخوانند. و نیز از اسباب حفظ اینستکه بسیار بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صلوات بفرستند.

و از جمله اسباب حفظ زدن مسواک و خوردن عسل و تناول نمودن کندر با شکر و خوردن بیست و یکدانه کشمش قرمز در هرروز میباشد. و آنچه تا به

اینجا ذکر شد موجب پیدایش قوه حفظ و شفاء از امراض و کثرت اسقام میباشد و هرچه باعث کاهش بلغم و رطوبات گردد حفظ را می افزاید.

اسباب پیدایش نسیان و فراموشی

متن: و ممّا یورث النسیان: کثره المعاصی و کثره الهموم و الاحزان فی امور الدنیا و کثره الاشتغال و العلايق و قد ذکرنا، لانه لا ینبغی للعاقل ان یهمّ لامور الدنیا لانه یضرّ و لا ینفع و هموم الدنیا لا یخلو عن الظلمه فی القلب و هموم الآخره لا یخلو من النور فی القلب و تحصیل العلوم ینفی الهمّ و الحزن و اکل الکریزه و التفاح الحامض و نظر المصلوب و قراءه لوح القبور و العبور بین اقطار الجمل و القاء القملّ الحیّ علی الارض و الحجامه علی نقره الفقار کلّ ذلك یورث النسیان.

ترجمه: از اموری که باعث فراموشی میشود: کثرت گناه و ازدیاد اندوه و فراوانی حزن در امور دنیا و سرگرمی زیاد و دلبستگی به آنرا میتوان برشمرد چنانچه قبلا به آن اشاره گردید. شخص عاقل و فهمیده نمی باید برای امور و جهات دنیوی مهموم و غمناک گردد چه آنکه علائق و امتعه دنیوی مضر بوده و نافع نیستند، هموم دنیا از ایجادظلمت و تیره گی در دل خالی نبوده و در مقابلش اندوه و حزن برای آخرت از اضاءه نورد در قلب مجرد نمیباشد. تحصیل علوم و فراگرفتن دانش حزن و غم را می زداید. خوردن خیار چنبر و سیب ترش و دیدن دار آویخته و خواندن سنگ قبرها و گذشتن از بین قطار شتران و انداختن شپش زنده بر زمین و حجامت بر گودی ستون فقرات جملگی از اسباب پیدایش فراموشی میباشد.

فصل دوازدهم: در بیان آنچه موجب جلب روزی و زیادى آن و آنچه باعث زیادى عمر و کوتاهى آن مى شود

متن: الفصل الثانی عشر فیما یجلب الرزق و یزیده و ما یزید العمر و ینقصم لا بدّ لطالب العلم من القوه و الصحه لیکون فارغ البال فى طلب العلم و فى کلّ ذک صنّفوا کتابا فاوردت البعض هینا على الاختصار. قال رسول الله ﷺ: لا یزید فى الرزق و لا یردّ القدر الاّ الدعاء و لا یزید العمر الاّ البرّ. فیثبت بهذا الحدیث ان ارتکاب الذنب یسبب حرمان الرزق خصوصا الکذب یورث الفقر. و قد ورد حدیث خاصّ بذلك و کذا الصحبه جنبا یمنع الرزق و کذا کثره النوم ثمّ النوم عریانا و البول عریانا و الاکل جنبا و التّهاون بسقاط المائده و حرق قشر البصل و الثوم و کنس البیت فى اللیل و ترک القمامه فى البیت و المشى

قدّام المشایخ و نداء الابوین باسمهما و الخلال بكلّ خشبه و غسل الیدين بالتراب و الطین و الجلوس على العتبه و الاتکاء على احد زوجى الباب و التّوضوء فى المبرز و خیاطه الثوب على البدن و تجفیف الوجه بالثوب و ترک بیت العنکبوت فى البیت و التّهاون بالصّلوه و اسراع الخروج من المسجد و الابتکار فى الذّهاب الى السّوق و الابطاء فى الرجوع منع و شراء کسرات الخبز من الفقراء السّائلین و رعاء الشرّ على الوالدين و ترک تطهیر الاوانى و اطفاء السّراج بالنّفس. کلّ ذلک یورث الفقر، عرف ذلک بالآثار.

ترجمه: زیادى عمر و کوتاهى آن مى شود شایسته و سزاوار است که طالب علم دارای قوت و صحت مزاج بوده تا در طلب علم فارغ البال بوده و با آرامش خاطر در مقام تحصیل برآید و در هریک از این امور حضرات کتابی تصنیف و تألیف فرموده اند. و من در اینجا قصدم اینست که برخی از آنچه در این امور نوشته شده بطور اختصار بیاورم: پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: رزق و روزی را

زیاد نکرده و به مقدارش نمی افزاید مگر دعاء و موجب زیادی و طولانی عمر نمیشود مگر احسان نمودن. پس به این حدیث شریف ثابت میشود که ارتکاب گناه موجب محروم ماندن از روزی میشود مخصوصا دروغ که باعث فقر و تنگدستی میشود. و حدیث خاصی در این زمینه وارد شده است. و نیز مصاحبت با جنب مانع از رزق میشود و همچنین امور ذیل جملگی سبب تنگدستی و فقر میباشند: خواب زیادی، لخت و عریان خوابیدن، عریان بول نمودن، در حال جنابت غذا خوردن، سهل انگاری نمودن درباره ته مانده سفره، آتش زدن پوست پیاز و سیر، جاروب زدن اطاق در شب، واگذار کردن کثافت و زباله در خانه، جلو پیران راه رفتن، پدر و مادر را با اسمشان خواندن، با هرچوبی خلال نمودن دندانها، شستن دستها با خاک و گل، نشستن بر درگاه و آستانه، تکیه دادن بر یکی از دو لنگه درب، وضوء گرفتن در بیت الخلاء، دوختن جامه در حالیکه به تن میباشد، خشک کردن صورت با جامه، واگذار کردن لانه عنکبوت در خانه، سهل انگاری نمودن در امر نماز، به سرعت از مسجد خارج شدن، زود به بازار رفتن و دیر مراجعت کردن از آن، خریدن خورده نان از فقرائیکه اهل سؤال هستند، بدی نمودن به پدر و مادر، آلوده گذاردن ظروف و نشستن آنها، دمیدن در چراغ و خاموش کردنش با آن. چنانچه گفته شد تمام این امور مورت فقر و تنگدستی است که از طریق آثار و اخبار بآن اطلاع حاصل شده است. متن: و كذا الكتابه بقلم معقود و الامشاط بمشط مكسور و ترك الدعاء للوالدين و التعمم قاعدا و التسرول قائما و البخل و التقتير و الاسراف و الكسل و التواني و التهاون في الامور.

قال رسول الله ﷺ: استنزلوا الرزق بالصدقه و البكور مبارك يزيد في جميع النعم خصوصاً في الرزق و حسن الخط من مفاتيح الرزق و طيب الكلام

یزید فی الرزق. ترجمه: و همچنین نوشتن با قلم بسته شده بجائی و نیز شانه زدن با شانه شکسته و دعاء در حق پدر و مادر نمودن، گذاردن عمامه بر سر در حال نشستن، پوشیدن شلوار در حال ایستاده، بخل ورزیدن، خودداری کردن از صرف مال، و اسراف نمودن و کسل بودن و سستی نشان دادن در امور موجب فقر و مانع از روزی میباشند. بیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: با دادن صدقه روزی را جلب کنید و بامدادان برخواستن بابرکت بوده و تمام نعمت ها خصوصا رزق و روزی را زیاد میکند و نیکو نوشتن یکی از کلیدهای روزی بوده و خوش کلام بودن نیز روزی را زیاد مینماید.

متن: و عن حسین بن علی علیهما الصلوه و السلام: ترک الزناء و کنس الفنا و غسل الاناء مجلبه للغناء. و اقوی الاسباب الجالبه للرزق الصلوه بالتعظیم و الخشوع و قراءه سوره الواقعه خصوصا باللیل و وقت العشاء و سوره یس و تبارک الّذی بیده الملك وقت الصّبح و حضور المسجد قبل الاذان و المداومه علی الطّهاره و اداء سنّه الفجر و الوتر فی البیت و ان لا یتکلم بکلام اللغو. ترجمه: و از مولانا حسین بن علی علیهما الصلوه و السلام منقول است که فرمودند: ترک عمل فحشاء و روفتن اطراف درب خانه و شستن ظروف غناء و ثروت را جلب میکند. و قوی ترین اسباب جالب روزی گذاردن نماز با حالت تعظیم و خشوع و خواندن سوره واقعہ مخصوصا در شب و زمان عشاء و قرائت سوره یس و تبارک الّذی بیده الملك در وقت صبح و حاضر شدن به مسجد پیش از اذان و دائم با طهارت بودن و انجام نافله صبح و خواندن نماز وتر در خانه و ترک کلام لغو و بیهوده میباشد.

متن: قيل: من اشتغل بما لا يعنيه يفوته ما يعنيه. قال علی علیه الصلوه و السلام: اذا تمّ العقل نقص الكلام. و ممّا یزید فی العمر ترک الاذی و توقیر

الشيوخ و صله الرحم و يحترز عن قطع الاشجار الرطبه الا عند الضروره و اسباغ
الوضوء و حفظ الصحه. و لا بد لطالب العلم ان يتعلم شيئا من الطب و يتبع
بالآثار الوارده في الطب الذي جمعه الشيخ الامام ابو العباس المستغفرى فى
الكتاب المسمى بطب النبى ﷺ و الحمد لله رب العالمين.

ترجمه: گفته شده: کسیکه خود را به آنچه بیهوده و بی معنا است مشغول و
سرگرم کند آنچه مورد قصد و واجد معنا است از وی فوت میشود. حضرت
امیر المؤمنین علیؑ فرمودند:

وقتی عقل کامل شود سخن و کلام کم میگردد. و از اشیاىیکه باعث طولانى
شدن عمر میگردد اذیت نکردن، احترام نمودن به بزرگان، صله رحم بجای
آوردن و پرهیز از بریدن درختان تازه مگر در وقت ضرورت و شاداب وضوء
گرفتن و رعایت سلامتی و حفظ الصحه کردن میباشد. و می باید طالب علم
مقداری از علم طب را آموخته و بدنبالش آثار و اخبار وارده از حضرات
معصومینؑ را که در طب ایراد شده اند ملاحظه نماید. این روایات و اخبار
را شیخ ابو العباس مستغفرى در کتابى بنام «طب النبى» ﷺ جمع آورى
فرموده است.

تمام شد کتاب «انيس الطالبين» ترجمه «آداب المتعلمين» در روز پنجشنبه
یازدهم ماه صفر المظفر سنه 1407

بدست ناتوان بنده ضعیف سید محمد جواد ذهنی تهرانی نزیل قم المشرفه از
قارئینمستدعی است که در وقت قرائت این کتاب حقیر را از دعاء خیر فراموش
نفرمایند و از خداوند متعال توفیق تمام طالبین علم و دانش را خواستارم بحق
محمد و آله الطیبین الطاهرین

فهرست مطالب

2	مقدمه
4	فصل اول: حقیقت و فضیلت علم
7	کلام برخی در خاصیت بعضی از علوم
7	تفسیر علم
8	تفسیر علم
9	فصل دوم: در بیان نیت
11	فصل سوم: در برگزیدن علم و انتخاب استاد و اختیار هم بحث
13	در بیان انتخاب استاد
15	در بیان اختیار هم بحث
16	پاره ای از وظائف طالب علم
	فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به تحصیل آن
18
23	فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب آن
25	مقدار ابتداء شروع به درس
26	ترتیب قرائت دروس
27	ترتیب قرائت دروس
29	تأمل، تدرک
33	فصل ششم: در بیان توکل
34	فصل هفتم: در بیان وقت تحصیل
35	فصل هشتم: در بیان مهربانی و نصیحت
37	فصل نهم: در بیان استفاده

39.....	فصل دهم: در بیان تقوی در مقام تعلم
42.....	فصل یازدهم: در آنچه موجب حفظ و فراموشی میباشد
43.....	اسباب پیدایش نسیان و فراموشی
	فصل دوازدهم: در بیان آنچه موجب جلب روزی و زیادتی آن و آنچه باعث
44.....	زیادتی عمر و کوتاهی آن می شود
48.....	فهرست مطالب